

اطلاعیه های حزب حکمتیست (خط رسمی)

- در حمایت از فراخوان تجمع کارگران نفت و گاز پارس جنوبی

صفحه ۴

- همایش بزرگ کارگران مراکز نفتی در پارس جنوبی و مقابل مجلس

صفحه ۵

نقطه عطفی در مبارزات کارگران صنعت نفت

مصاحبه با خالد حاج محمدی

صفحه ۵

برگ انجیر حزب توده در پارس جنوبی مصطفی اسدیپور

صفحه ۳

"یوروویژن" و "فیفا"!**رختشوی خانه های بین المللی****ثریا شهابی**

اگر امروز و فردا، مراجع بین المللی و حقوق بشری جهانی "جایزه سیمون دو بووار برای آزادی زنان" را به هیتلر آخوندزاده، رهبر امارت اسلامی افغانستان تحت حکومت طالبان، دادند و نشان "بنگاه شادمانی" را به "ستاد امر به معروف و نهی از منکر" ایران تقدیم کردند، تعجب نکنید! در جهانی که پس از نا امید شدن ترامپ از گرفتن جایزه صلح نوبل، علیرغم همه "سبیل چرب کردن" ها و .. رئیس فدراسیون بین المللی فوتبال (فیفا)، دوست و رفیق ترامپ به سفارش او یک شبه "جایزه صلح فیفا" را اختراع میکند و آن را به دونالد ترامپ اهدا میکند! "ستاد امر به معروف و نهی از منکر" هم لایق نشان "بنگاه شادمانی" خواهد بود.

در جهانی که مسابقه آواز یوروویژن، که همین چند سال قبل همچون همتا خود فیفا که سرعت درش را بروی فوتبالیست ها و خوانندگان روسی به خاطر داعیه "جرم سیاسی" روسیه بستند، باز هم در دروازه اش را چهارطاق بر روی شرکت خواننده از اسرائیل، علیرغم اعتراض جهانی علیه نسل کشی آن در غزه و در حق فلسطینیان، باز گذاشت!

صفحه ۷

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

حکم اعدام وریشه مرادی نفوذ شد

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

حکمتیست
هفتگی ۵۹۲

پنجشنبه ها انتشار مییابد

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵ - ۲۰ آذر ۱۴۰۴

جدال برای آزادی مردم فلسطین پایان نیافته**آذر مدرسی**

دو ماه از "طرح صلح" ترامپ، طرحی که اساسا برای نجات اسرائیل از بن بست و انزوا و کم کردن فشار جنبش جهانی حمایت از مردم فلسطین و تضمین ادامه بیحقوقی مردم فلسطین تهیه شده بود، میگذرد. طرحی که ترامپ به روشنی آنرا بعنوان طرحی که قرار است اهداف بدست نیامده اسرائیل پس از دو سال کشتار و جنایت را ممکن کند، معرفی کرد. "طرح صلح" ترامپ طرحی برای رسمیت دادن به ادامه کشتار و مشروعیت دادن به ادامه حمایت از دولت فاشیست اسرائیل، به نام برقراری صلح، بود.

طی این دو ماه و طی اجرای این به اصطلاح طرح صلح و در دل مباحث متعدد سر حمایت این و آن قدرت جهانی و منطقه ای از طرح و مذاکرات بر نحوه اجرای آن و شرط و شروط های اجرایی و ... ، در نوار غزه نه از آتش بس خبری بود و نه از کمک رسانی ها، نه از آرامش و نه از نجات از گرسنگی و بی امکاناتی مطلق.

طی این دو ماه اسرائیل نزدیک به ۴۰۰ نفر از مردم بی پناه در نوار غزه را به قتل رسانده و نزدیک به هزار نفر را مجروح کرده است. طی این دو ماه نزدیک به ۸۰۰ مورد آتش بس را زیر پا گذاشته و مانع ورود کمکهای غذایی، پزشکی و سایر کمکهای مورد نیاز مردم فلسطین شده است و کشتار مردم در اثر قحطی، گرسنگی، بی آبی، وبا، کمبود دارو و امکانات پزشکی، سیل و بی امکاناتی مطلق مردمی که در ویرانه ها زندگی میکنند، کماکان ادامه دارد. هنوز ۵۹ درصد نوار غزه در اشغال اسرائیل است و هنوز ارتش اسرائیل روزانه دهها کودک، زن، مرد، پیر و جوان را به قتل میرساند.

طرح صلح ترامپ که با هلهله و ولوله همه قدرتها، از قدرتهای ارتجاعی جهانی تا ارتجاع منطقه ای، روبرو شد، فقط و فقط سرعت نسل کشی و پاکسازی قومی در نوار غزه را کمی تخفیف داد و شکل آنرا تغییر داد و همزمان بر سرعت اشغال و سرکوب و کشتار در کرانه باختری افزود.

تنها دستاورد مرحله اول آزادی گروگانهای اسرائیلی و بازگشت آنان به آغوش خانواده های شان است. گروگانهای فلسطینی اما کماکان در سیاه چالهای اسرائیل زندانی اند و



آزادی برابری حکومت کارگری

و ... خواست جنبشی است که تا آزادی کامل مردم فلسطین از پای نمی نشیند. جنبشی که فشار آن حتی دول اروپایی، متحدین طبیعی دولت اسرائیل، را با انشقاق روبرو کرده است.

این جنبش امروز با صدای بلند و گامهای استوار اعلام میکند که تنها راه پایان دادن به کشتار و نسل کشی مردم فلسطین، را ایجاد یک کشور و دولت مستقل فلسطینی، با حقوق شهروندی کامل مردم فلسطین میدانند. جنبش مردم فلسطین برای رهایی و بیداری و رنسانسی فکری-سیاسی و اجتماعی در غرب را نمیتوان به این سادگی عقب راند. عقربه های تاریخ به عقب باز نخواهند گشت.

۲۰ آذر ۱۴۰۴

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵

حکم اعدام وریشه مرادی لغو شد

در میانه مبارزه هر روزه علیه اعدام، شکنجه، فقر و فلاکت، گرانی، بی آبی و هوای ناسالم که گریبان اکثریت مردم و طبقه کارگر را گرفته است، خبر مسرت بخش لغو حکم اعدام وریشه مرادی زندانی سیاسی از طرف مصطفی نیلی وکیل ایشان اعلام شد.

نقض حکم اعدام وریشه مرادی از طرف دیوان عالی کشور بدون مبارزات مردم آزادیخواه و برابری طلب چه در داخل و خارج کشور و با توسل به شبکه وسیعی از این مبارزین میسر نمی شد. جای وریشه مرادی ها زندان نیست، هیچ کس نباید به خاطر فعالیت و عقاید سیاسی حتی یک روز در زندان باشد چه به اینکه حکم اعدام بگیرد. رژیم سرمایه جمهوری اسلامی که تنها با سرکوب و اعدام پا بر جاست تنها از طریق مبارزات متحد و متشکل می توان، قدم به قدم وادار به عقب نشینی شد. در نهایت با سرنگون کردن رژیم از طریق انقلاب و از پائین، بساط چوبه های اعدام را برای همیشه برچید.

ما در دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن تبریک به وریشه مرادی و خانواده ایشان، به تمامی افراد آزادیخواه و برابری طلب و تمامی دست اندرکاران مبارزه علیه حکم اعدام که این امر را ممکن کردند، به تمامی فعالین لغو حکم اعدام را به اقدام و گامهای بیشتر برای لغو تمامی احکام اعدام، مستقل از دلایل آن، فرا میخوانیم.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ آذر ۱۴۰۴

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵

شکنجه میشوند و به یمن طرح صلح ترامپ با خطر اعدام روبرو اند. دولت فاشیست اسرائیل تبعید تعدادی از اسرای فلسطینی به اردن، مصر و ترکیه و همزمان ممنوع الخروج کردن خانواده های آنان و محروم کردن آنان از دیدار با عزیزانشان، را به نام "آزادی اسرای فلسطینی" و "اجرای تعهدات خود" پیش برد.

طرح صلح ترامپ و "پیمان شرم الشيخ" در خدمت فشار به مردم فلسطین و ایجاد مانع در راه مقابله با دولت اشغالگر اسرائیل، به نام ترور و تروریسم، با توسل به تحریم، حقوق بین المللی و سازمان ملل متحد و نهایتا بمبارانهای بیشتر است. این طرح برای خلاصی یافتن مردم فلسطین از جنگ و کشتار و آوارگی و قرار دادن چشم انداز روشنی برای مردم فلسطین در نوار غزه و کرانه ی باختری نیست. این طرحی برای باز گذاشتن دست دولت اسرائیل در اشغال بیشتر کرانه باختری و گسترش شهرک سازی ها در آن، برای تثبیت هژمونی دولت اسرائیل در منطقه و تبدیل نوار غزه به "ریویرای خاورمیانه" با اتکا به ثروت دولتهای عربی و نیروی کار مردم نوار غزه یا با پاک سازی کامل نوار غزه از مردم فلسطین و صدور نیروی کار ارزان از اقصی نقاط جهان به غزه برای بهره کشی است.

اگر مرحله اول طرح را علیرغم ادامه کشتار مردم در نوار غزه و بتوان پایان یافته تلقی کرد. ورود به مرحله دوم یعنی خلع سلاح حماس، خروج کامل اسرائیل از نوار غزه، تشکیل کمیته.... و تشکیل ارتش حافظ امنیت، در حقیقت حافظ منافع اسرائیل، و بالاخره آغاز پروژه ساختن "ریویرای خاورمیانه" در هاله ای از ابهام قرار دارد. آنچه که "رویاها"ی ترامپ و هیئت حاکمه فاشیست در اسرائیل را در هاله ای از ابهام قرار داده است، نه مخالفت حماس یا دولت اسرائیل با اجزایی از این طرح، نه لفاظی های دولتهای غربی علیه دولت اسرائیل، نه "فشار" روسیه و چین برای "پیشبرد اصولی" طرح نه مخالفت جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان و قطر و .. که از قبیل این حمام خون مشغول امتیاز گیری هستند، که جهانی است که در کنار مردم فلسطین مقاومت میکند. جنبشی عمیق در فلسطین و در سراسر جهان برای پایان دادن به اشغال، به آپارتاید نژادی و تشکیل دولت مستقل فلسطین!.

مردم فلسطین نه در کرانه باختری و نه در نوار غزه، علیرغم آری یا نه نیروهای فلسطینی به این طرح، پرچم سفید را برای تسلیم بلند نکرده اند. نفرت و خشم از کشتار چهل و چند ساله را نه با کشتار، نه با تلاش در پاکسازی قومی، نه با سیاست چماق و هویج و نه با خلع سلاح مردم فلسطین، به نام مقابله با تروریسم، در فلسطین و در سراسر جهان، نمیتوان خاموش کرد.

این جنبش را میتوان عقب راند، میتوان سرکوب کرد، میتوان برای مدتی خاموش کرد یا آنرا دستمایه بند و بست و معاملات سیاسی و اقتصادی قرار داد، اما نمیتوان آنرا از بین برد. این جنبش زمانی که پیگیری سوسیالیستی در جهان قدرتمند بود، با پرچم چپ و رادیکالیسم به میدان آمد و شانس ایجاد دو دولت فلسطینی و اسرائیلی را تا مرحله عمل ممکن کرد. با عروج اسلام سیاسی، به یمن استراتژی دولت امریکا در منطقه و تقویت آن برای مقابله با خطر سوسیالیسم و کمونیسم، جریانات اسلامی و دست راستی در آن دست بالا پیدا کردند!

جنبشی که یک سر آن در فلسطین است و سر دیگر آن در اروپا، امریکا، خاورمیانه و آفریقا است. جنبشی که از بدو شکلگیری کل ارتجاع جهانی و منطقه ای، از "گروه چهار جانبه خاورمیانه" سال ۲۰۰۲، متشکل از امریکا، روسیه و اتحادیه اروپا، تا "پیمان شرم الشيخ" و "شورای صلح" مورد توافق سازمان ملل و ... برای نابودی آن متحد شدند. جنبشی که علیرغم فریبی به نام "صلح در نوار غزه"، علیرغم اعلام رسمی بستن پرونده جنایت دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین در دولتها و میدیای رسمی آن، علیرغم تلاش در حاشیه ای کردن آن زیر جنایات فجیعی که همین قدرتها در سودان مرتکب شده اند، هنوز نه فقط از نفس نیفتاده که با قدرت بیشتری ادامه دارد. این جنبش کماکان نه فقط در خیابانهای لندن، پاریس، برلین، نیویورک و رام الله و ... در جریان است که کماکان فشار خود را برای انزوای بیشتر دولت اسرائیل و هرآنچه با جنایات این دولت تداعی میشود، را حفظ کرده است.

امروز، به یمن سیاسی کردن همه عرصه های زندگی از هنر تا ورزش و ادبیات و علوم، اخراج دولت اسرائیل از برنامه های هنری، ورزشی، ادبی

قدرت طبقه کارگر در شکل و تحزب اوست!

برگ انجیر حزب توده در پارس جنوبی

مصطفی اسدپور

تداوم اعتراضات پارس جنوبی باد به بیرق حزب توده انداخته است. روز بیست آبان اجتماع اعتراضی کارگری جمع سه هزار نفری کارگران پارس جنوبی افکار عمومی را به خود خیره ساخت. انتظار دخالت دولت، واکنش بورس و تأثیر مستقیم بر قیمت نفت اِدا غیر منتظره نبود. یک هفته پیشتر اعتراض و مطالبه "انحلال شرکت های پیمانی" جمع کثیری از کارگران معترض از چنین شهر را به پاسنور تهران کشیده بود. نفس در سینه ها حبس و در وانفسای معیشت و دستمزدها؛ زمینه دخالت طبقه کارگر و گسترش اعتراضات به بخش های دیگر؛ مخاطره توسل حکومت به خشونت و سرکوب هر چه بیشتر ... کرده بود. درست در چنین شرایطی وقت آنست که سراغ حزب توده رفت.

خوشبختانه تفسیر سایت "ده مهر" - رسانه اینترنتی حزب توده- در دسترس است و این حزب و با عنوان "کارگران پارس جنوبی و آزمون عدالت: روایت بلوغ یک جنبش ملی" * به تاریخ یازدهم آذر ۱۴۰۴، حق مطلب را ادا میکند. این مقاله تا آنجا که به واقعیات اعتراض پارس جنوبی مربوط میشود یک سر سوزن حتی بی طرفانه هم نیست. تصویر مقاله مد نظر، سراسر تصویر یک مامور وظیفه شناس حراست دایره امنیتی کنترل پارس جنوبی است که ذوق زده از حاصل ده سال از جان کندن برای کنترل اعتراضات پارس جنوبی به مافوق خود گزارش میدهد؛ این مامور حتی در گرماگرم اعصاب کارگری نیز کماکان به قاج زین نظم و آرامش در حوضه ماموریت خویش چسبیده و دست بردار نیست. این گزارش مملو از دروغ و تحریف است؛ مطالبات و مبارزه کارگران را تخطئه میکند؛ و به عمق ورشکستگی و رسوایی حزب توده، چاپلوسانه و پلیسی است.

نوشته اند: "در روز تاریخی ۲۰ آبان وقتی که بیش از سه هزار کارگر از پالایشگاه های دوازده گانه پارس جنوبی و فجر جم گرد هم آمدند، تنها یک تجمع صنفی شکل نگرفت، بلکه تصویری کم نظیر از آگاهی و کرامت و مسئولیت پذیری طبقه کارگر ایران به نمایش درآمد."

طبقه کارگر به کنار؛ اجازه دهید بر "کرامت و مسئولیت پذیری در خود حزب توده" دقیق شویم. برای راحتی کار و برای رعایت عدالت، چند مولفه اصلی را از خود تحریریه "ده مهر" میپذیریم.

کنترل و نظم

در دل یک منطقه ویژه صنعتی و در سایه حکومت نظامی حاکم بر این مناطق که هر گونه شکایت علیه کارفرما، تا چه برسد به تجمع و تشکل کارگری در آن ممنوع است چند خط گزارش از این اجتماع آنهم در نشریه یک سازمان سیاسی یک بمب خبری است. قبل از هر کس خود مقامات هستند که قشقرق بر پا میدارند. دست بر قضا حزب توده پشت ویتترین سایت "ده مهر"، دقیقاً پنجاه سال سرمایه عظیم اثبات وجود این تصویر از مبارزات کارگری در سایه "صنفی" در ایران را در سابقه فعالیت خود دارد. ادعای "نظم و آرامش" را کسی از دایره امنیتی مستقر در بوشهر نمیخرد ولی "ده مهر" هم مجبور نیست چیزی از سابقه ده سال جنگ و گریز و دستگیری و حکومت نظامی پشت صحنه در پارس جنوبی را به روی خودش بیاورد. "ده مهر" در تخطئه و در مسابقه با ادعای ارگانهای رسمی امنیتی جمهوری اسلامی دال بر "محیط آرام" است که گند قضیه را بالا میآورد.

نویسنده حزب توده به دور و بر نگاه کرده و نتیجه میگیرد حضور ماموران بخاطر "آرامش کارگران" است. مقاومت و استدلال بی فایده است. حزب توده تنها حزب آگاه و مسئول در تمام جهان است که یک بار دیگر حقانیت خود را در بوته آزمایش به رخ میکشد که سرکوب و قهر پلیس ناشی از بی نظمی و نا آرامی کارگران است و لاغیر! حیف که در سابقه چندین و چند ساله "آرامش" و "خونسردی" ذاتی پیمانکاران و دخالت "عدالانه" حراست و مدیریت هم کسی به صرافت تقدیر از حزب توده نیافتاده است. وگرنه الم شنگه مطبوعاتی چندین ساله، اعصاب و اعتراض، اوقات تلخی مدیریت و زندان کارگران؛ و از همه مهمتر زحمت نگارش مقاله "ده مهر" ضروری نبود.

اگر در مورد اخیر پارس جنوبی، وفور آرامش و نظم نزد کارگران لزوم چماق پاسداران را منتفی ساخته است؛ اعتراض و کنایه مقاله "ده مهر" را رو به کدامین اعتراض کارگران و کدام "مقصر" بی نظمی آنها است؟ اعتراضات هیکو؟ هفت تپه؟ فولاد؟ آذربای؟ ... به شهادت مکرر گزارشات سایت نهاد طرفدار دولت، "خانه کارگر"، بیشمار از اعصاب بون هیچ گونه توجیه با سرکوب خونین وبرو شده اند. هیچ سند دال بر رسیدگی و بازرسی رفتار چماقداران سرکوب وجود نداشته است. اینرا میدانستیم که حق و آزادی

اعصاب به حزب توده نمیچسبد، اما باید شهادت لاپوشانی ده ها سال سرکوب هر اعتراض کارگری با ارجاع به نظم را تیریک گفت. اعتراض کارگری در ایران و حتی با تحریک نیروهای سیاسی چه چیزی جز تاخیر یکی دو ساعته یک خیابان مشرف بر اداره کار یکی دو خیابان، شعار دادن جمعیت را به همراه داشته است؟

اما بقیه ماجرا خواندنی است.

نوشته اند: "نشان داد که کارگر ایرانی بر خلاف کلیشه سازی رایج، نیرویی آگاه، منظم و توانمند است. مطالبات صنفی خود را ... پیش ببرد بی آنکه وابسته به هیاهوی جریانات سیاسی باشد... بدون آنکه زمینه ای برای بحران یا سوء استفاده فراهم شود."

ایشان هنوز هم با استفاده از کلمات "نظم" و "هیاهو" دارد شواهد دال بر حزبیت و دخالت و جانبداری سیاسی و حزبی توسط کارگران را به سخره میگیرد. پاپوش میدوزند. چرا صنف؟ حذف پیمانکاری هم صنفی است؟ دیوار چین میان سیاست و صنف و دقیقاً نزد کارگران از کجا آمده است؟ نمیشود یکبار نویسندگان محترم جلو دهان خود را بگیرند، نوبت به کارگران داده شود. صد هزار کارگر فریاد زده تغییر قانون را خواسته اند. حزب توده در مقام بوقچی مجلس و قانون و خبرگان جمهوری اسلامی رضایت نمیدهد.

اما اینجا وسط بحث در مورد بیستم آبان ماه پارس جنوبی، سر و کله "وابستگی هیاهوی جریانات سیاسی پس از انقلاب" دیگر از کجا پیدا شد؟ "ده مهر" دقیقاً هر گونه تعارف و شرم را کنار میگذارد و برای سابقه کارگران، دستگیریهایی مکرر و حمله و توطئه کثیف از طرف حراست و دستگاه پلیسی در منطقه کلاه شرعی میسازد. "آرامش مثال زدن"، "شان و وقار" شروع چند خط از کثیف ترین حمله و تخطئه علیه حق طلبی طبقه کارگر است؛ که مستقیماً در خدمت دفاع بی شرمانه از کل حکومت بورژوازی اسلامی در ایران و تیره آن ردیف شده است.

احتماع بیستم آبان، گیرم به هر دلیل برای "ده مهر" یک نقطه عطف کذایی باشد، اما به چه حق به خود اجازه میدهد، اینچنین دیمی "وابسته به هیاهوی جریان های سیاسی"، "سوء استفاده و بحران" را به سوابق مربوط به قبل از "نقطه عطف" کذایی اعتراضات بچسباند؟ "ده مهر" میتواند با یک سر سوزن شرافت و وقار و آرامش پا جلو بگذارد و در چهار کلمه از "نقطه عطف" دستگاه امنیتی نیز بنویسد. در غیر اینصورت دیگر پرونده سازی برای صف اعتراض کارگری برای چیست؟ "ده مهر" از راه نرسیده خالکوبی های خود را نشان میدهد. شعبده بازی کهنه کاران امنیتی سایت "ده مهر" و دو راهی که در مقابل کارگران پارس جنوبی قرار میدهند، روی دفتر حفاظت عسلیه را هم سفید میکند. نوشته اند: "دو راهی ... با "نظم و عقلانیت و با همین دو عنصر، تأثیر گذاری چند برابر" و یا "تخریب و تنش" در شرایطی که زمینه ساز بحران و سوء استفاده میگردد."

صنفی و قانونی

تکرار عبارت "صنف" و "قانون" در ایران بدون هیچ تردید بخاطر فواید آن برای جبهه سرمایه و کارفرما است. مطالبات کارگری هیچکدام بخاطر صنفی بودن و یا امتیازات قانونی آن نیست. اینها جعلیات بزرگ بورژوازی و نوکران آن در تمام طول جدالهای طبقاتی در ایران (و در امتداد همین بحث در تمام دنیا) و برای گمراهی و خدشه به اهداف و شکاف در مبارزه آنها است. کارگران پارس جنوبی لغو پیمانکاری و تغییر وضعیت میخواهند؛ دارودسته کارفرما و دنبالچه آن در "ده مهر"، به جای آن دانشنامه "مطالبات صنفی" را به سمت کارگران پرتاب میکنند. از سال ۱۳۹۸ در پارس جنوبی در مقابل خواست مداوم لغو پیمانکاری، کارگران مداوماً دور "مطالبات صنفی" کذایی سر دوانده شده و کثیفترین توطئه ها در جریان بوده است.

توصیه فرق زمین تا آسمان میان عبارت "صنفی و قانونی" در بیانیه یک اعتصاب، که بدلیل بهانه جویی دستگاه سرکوب قابل فهم بنظر میرسد، تا تکرار همان عبارات در بیان یک حزب سیاسی کار را به اقتضاح میرساند. "ده مهر" دیگر شور قضیه را در میآورد، او حاضر نیست راهی به سوی تحقق خواسته هایی که بقول خودش نه سیاسی، نه غیر واقعی، و نه خارج از قواعد قانون است را نشان دهد. سوال کماکان به قوت خود باقی میماند: اگر یک کارگر بهر دلیل از فرط سالتها تخفیر و دزدی و پایمال شدن زندگی و خانواده جان به لب رسیده از این دولت و سرمایه داران حاکم به لب برسد و دست بر قضا حقه بازی شما را شناخته خواهان تشکل و دخالت مستقیم کارگران در سیاست و دولت شود، تکلیف چیست؟

اما باید فضیلت "ده مهر" را هم اضافه کرد که "امنیت ملی" و "رفتار مسئولانه" را هم به پیش شرط مطالبه کارگران اضافه میکند. "ده مهر" بعلاوه از هنر لفاظی و روده درازی حول عدالت اجتماعی بی بهره نمانده است که؛ بلوغ صنفی، آگاهی را نیز سرهم کند.

بالاخره کی وقت آن میرسد که "ده مهر" بساط روزه خوانی خود در باب خزعلات "امنیت ملی" و "استقلال" و "فشار خارجی" و "جنگ اقتصادی" و "تهدیدهای ژئوپلیتیک" و "واقعیت تاریخ ساز ایران و جهان" را جای دیگر پهن کند و بجای آن حق بی چون و چرای کارگر برای بیرون کشیدن حق و زندگی خود از گلو بورژوازی حاکم را برسمیت بشناسد؟

در حمایت از فراخوان تجمع کارگران نفت و گاز پارس جنوبی

خبر اجتماع اعتراضی تازه تری از کارگران پارس جنوبی در میان کارگران سراسر ایران در گردش است. اطلاعاتی مربوطه بیانگر اولتیماتوم کارگران خطاب به مسئولین شرکت نفت در مقابل اجتماع اعتراضی یک هفته قبل تر متشکل از سه هزار کارگر پارس جنوبی است که از واکنش و پاسخگویی به مطالبات کارگران اجتناب کردند. انجمن صنفی کارگران پارس جنوبی به مرحله سوم از راهبرد مبارزاتی خود میشوند که شامل تجمع هر چه بزرگتر کارگران و خانواده های آنها در مقابل فرمانداری عسلویه در ۱۸ آذر میباشد. کارگران اعلام کرده اند، "این بار، هجدهم آذرماه، جمعیت کارگری پرشور تر، محکم تر، همدل تر، با انسجام بیشتر مستقیم میرویم جلو فرمانداری عسلویه..."

اقدام اعتراضی کارگران پارس جنوبی چه در نمایش قدرت متحد و همبستگی در میان کارگران نفت؛ چه در مطالبات خود و همبستگی وسیع کارگری علیه پیمانکاری و شرایط بد دستمزدها و بخش سرویس و چه برگزاری این اعتراضات در فصل تعیین سراسری دستمزدها اهمیت و جایگاهی بسیار فراتر از یک اعتراض قدرتمند منطقه ای بخود میگیرد.

دستمزد کارگران، در هاله نفرت انگیز دلسوزی تحقیر آمیز بورژوازی برای این طبقه و مردم ستمدیده، تنها میتواند با خلع سلاح کامل کارگران از هر گونه امکان دفاع از خود ممکن شود. فصل دستمزد است و تنها کارگر با ابزار شناخته شده خود، در آزادی بیان و تشکل و با ایجاد تشکل های واقعی کارگری، میتواند از حق و مطالبه خود برای دستمزد و شرایط کار که میتواند دم و دستگاه بورژوازی که سود میخواهد، سود بیشتر از رقیب میخواهد، شرط و شروط آن برای کار بیشتر و کارگر مطیع و ارزانتر تمامی ندارد، به دفاع برخیزد و آن را در هم شکند.

تجمع اعتراضی پارس جنوبی فراخوان از تپش گرم عسلویه خطاب به همه کارگران ایران است که پرشور تر، محکم تر، همدل تر، با انسجام بیشتر برج و باروی سلطه نفرت انگیز سرمایه در جامعه را در محاصره اتحاد و حق طلبی خود بگیرند.

اتحاد و صفوف مبارزاتی گسترده، اعتماد بنفس، خونسردی و عمق آمادگی و تدارک و سنجیدگی در هدایت مبارزه کارگری در پارس جنوبی را به همه کارگران، به رهبران و رفقای دست اندر کار تبریک میگویم. حمایت از کارگران و تجمع آنها، حمایت از خواست و مطالبات بر حق آنها، حمایت از حق زندگی مرفه و انسانی برای طبقه کارگر در ایران است. حزب حکمتیت (خط رسمی) همه کارگران در ایران را به حمایت از اعتراض و مطالبات کارگران مراکز نفت و گاز پارس جنوبی فرا میخواند.

حزب حکمتیت (خط رسمی)

۱۴ آذر ۱۴۰۴ - دسامبر ۲۰۲۵



"ده مهر" حق ندارد خود را به کوچه علی چپ بزند. گفتن رسمی "اقتصاد مقاومتی" و "تولید ملی" و "استقلال اقتصادی" برای فریب یک کارگر نفت زیادی بچگانه و چنگ است. اگر از کارفرما و اربابان امنیتی پارس جنوبی کسی برای قابلیت های "ده مهر" در استفاده از شیره صنفی و قانون علیه توقعات کارگری تره هم خرد نمیکند دیگر گناه کارگران نیست. شاید کسی پیدا شود و "ده مهر" را قانع کند که اینقدر به تمایلات پنهان سیاسی کارگران و ذات آشوبگر کارگران پیله نکنید. این بورژوازی است و نه کارگران که باید به قانون خود پایبند باشد.

انجمن صنفی

نوشته اند: "کارگر ایرانی نیرویی آگاه و منظم و توانمند است که میتواند مطالبات صنفی خود را بر پایه تجربه زیسته و تشکل های برخاسته از درون محیط کار پیش ببرد"

آیا همین چند کلمه و شارلاتانیسم آشکار درباره "تشکل برخاسته از محیط کار" حال تحریریه "ده مهر" را بهم نمیزند؟

اول، پارس جنوبی در منطقه آزاد صنعتی مشمول ممنوعیت هر گونه تشکل کارگری است؛

دوم، انجمن صنفی تنها انتخاب ممکن، از جانب ماموران امنیتی در مقابل کارگران بوده و در چند سال جنگ فرسایش و با قیمت سنگین و تنها بر اثر تداوم اصرار کارگران، در دایره بسیار محدود بعنوان تشکل بی یال و کویال عملاً موجود به فعالیت خود ادامه داده است. برای مدیریت پارس جنوبی و شبکه فعالین آن رسماً این تشکل و فعالیت آن در حداقل چهارچوب ممکن برای کنترل جو اعتراضی در پارس جنوبی به حیات خود ادامه داده است.

لازم است اضافه نمود که مشکل پارس جنوبی برای کارفرما و دولت، انجمن صنفی پارس جنوبی نیست. انجمن صنفی و مشخصاً مدیریت رسمی آن برای حق خواهی و برای آرایش اعتراضی کارگران نقش ناچیزی را ایفا میکند. از فعالیت های سنتی اتحاد و همبستگی طبقاتی خبری نیست در عوض شرایط کار و بهره کنشی و زورگویی کارفرما است که به انجمن صنفی اعتبار و میدان میدهد. بدون همین انجمن صنفی موجود، کارگران باید دنبال ابزار تازه و ابزار موثرتری راه بیافتند. تمام سیاستهای کجدار و مریز کارفرما حکایت از همین وضعیت دارد.

"تشکل برخاسته از محیط کار" تحفه ای از انبان صنفی و قانونی حزب توده است. همه میدانند با کوچکترین فضای آزاد انواع کمیته اعتصاب، دفتر مرکزی و علنی تشکل ها، کمیسیونها و نشریات از هر گوشه کار و زندگی کارگران مثل مور و ملخ سر در میاورد که دفتر و دستک مهملات کارفرمایی را فلج کند.

هر چه هست، عجالتاً در حال حاضر، موتور محرک اصلی پارس جنوبی بعده شبکه ای از فعالین و رادیکال کارگری است که با بسیج توده کارگران علیه قانون جهنمی استثمار و تباهی؛ علیه حراست و در مقابل پرونده های امنیتی و پاپوش دوزی؛ علیه سرکوب قانونی و بر مبنای حکم طبقاتی کارگری و ... نبض اوضاع را در دست دارند. این شبکه با سخاوتمندی و آرامش شایسته ستایش همه امکان دخالت و تقویت سالم و رفیقانه را جلوی روی حزب توده قرار داد، حزب توده میتوانست یکبار هم که شده بسادگی فقط با دفاع بی قید و شرط از حق آزادی بیان، آزادی اجتماع و آزادی تشکل پا به میدان بگذارد. حزب توده در کنار بورژوازی ایستاد. این تکرار دیگری از سلسله نقطه عطف حزب توده بود. از اینجا به بعد حزب توده و "ده مهر" در شکوفایی بلوغ جدید خویش میتوانند بجای بهانه جویی، بجای ایراد بنی اسرائیلی به صف اعتراضات کارگری، به جای قازورات ابرو باخته؛ به شورای امنیت و صلح و صفای سازمان ملل شکایت ببرند.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵

<https://10mehr.com/archives/13174>

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیت پیوندید

همایش بزرگ کارگران مراکز نفتی در پارس جنوبی و مقابل مجلس

روز سه شنبه ۱۸ آذر در پی فراخوان کارگران پارس جنوبی برای تجمع در مقابل فرمانداری، عسلویه شاهد یکی از بزرگترین تجمعات کارگران نفت و گاز در چند دهه اخیر بود. صبح این روز پنج هزار کارگر و خانواده های آنها، علیرغم مسدود شدن مسیر ها و ممانعت های ایجاد شده برای تجمع، سرانجام در میدان "سلیمانی" گرد هم آمدند و با شعار "تانک، توپ، فشفشه، پیمانکاری باید حذف بشه"، در همایشی پرشور به طرف فرمانداری راهپیمایی کردند. این تجمع بزرگ به دنبال تجمع قبلی سه هزار کارگر پارس جنوبی در مقابل "ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی"، که با بی جوابی کارفرمایان و دولت مواجه شده بود، انجام شد.

کارگران همچنانکه قبلاً التیماتوم داده بودند، در روز ۱۸ آذر به تجمع بزرگتر و متحد تری دست زدند و اعلام کردند تا رسیدن به مطالبات بر حق خود به اعتراضات ادامه خواهند داد. مطالبات کارگران که به کرات در تجمعات مختلف آنها بیان شده است شامل، لغو پیمانکاری ها و قرار داد مستقیم با کارگران، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همسان سازی دستمزدها، اجرای طرح اقماری دو هفته کار و دو هفته استراحت برای نیروهای اداری و پشتیبانی، ساماندهی وضعیت رانندگان غیر مالک، پرداخت هزینه قطع امکانات و حق کمپ و برقراری ایاب و ذهاب هوایی، ساماندهی وضعیت نیروهای ایمنی و پشتیبان و روزمزد و به علاوه رعایت قانون کار و عرف کارگاهی برای تمام گروههایی که در محدوده پالایشگاهی کار میکنند، است.

به علاوه امروز ۱۹ آذر ماه نیز شاهد تجمعی بزرگ از کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری در مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران بودیم. کارگران مراکز نفتی در سراسر کشور به فراخوان فعالین و شبکه ها و نهادهای کارگری برای شرکت در این تجمع به تهران آمدند و همایشی قدرتمند و متحد را در مقابل دولت و کارفرمایان برگزار کردند. در این تجمع فعالین و کارگران با طرح مطالبات خود، بر حق طلبی کارگری و علیه استثمار و بردگی شعار دادند و صدای رسای خود را به گوش همه کارگران در سراسر ایران رساندند. در این تجمع با طنین شعارهایی از بلند گوی تجمع مانند "تانک، توپ فشفشه، پیمانکاری لغو بشه، ما استثمار نمیخواهیم، ما پیمانکار نمیخواهیم" اتحاد و اراده جمعی کارگر علیه استثمار و توحش نظام کاپیتالیستی و نه گفتن آنها به این نظم، به بصورت شکوهمندی به نمایش گذاشته شد. کارگران در این تجمع تاکید کردند که به وعده های دروغین حاکمیت و کارفرمایان باور ندارند و باید اقدامات عملی برای تحقق مطالبات آنها انجام بگیرد. اصلی ترین مطالبات کارگران در این تجمع عبارتند از: "حذف پیمانکاری، افزایش حقوق و رفاهیات و برقراری نظام عادلانه پرداخت".

چند نفر از نمایندگان مجلس در تجمع کارگران ظاهر شدند و با تملق و چاپلوسی و خواهش و تمنا و ابراز همدردی ریکارانه با کارگران، کوشیدند فضا را آرام کرده، با رفع اتهام از مجلس و با وعده پیگیری مطالبات کارگران، چند صبحی دیگر وقت بخرند، وعده های دروغینی که در میان کارگران در مراکز نفتی و در بسیاری از مراکز کارگری، کوش شنوایی برای آن نیست.

دو تجمع مهم کارگری، کارگران صنعت نفت خون تازه ای در رگ جنبش کارگری، روان کرده و پس از سالهای فضای پلیسی و پادگانی در مراکز گاز و نفت و... به عنوان "مراکز ویژه اقتصادی"، که هر گونه تشکل و تجمع کارگری در آن ممنوع است، بار دیگر به میدان آمدند و با قدرت متحد خود سد سرکوب و فضای امنیتی و پادگانی را شکستند.

حمایت سندیکای کارگران شرکت واحد از اعتراضات کارگران نفت و گاز و پیام صمیمانه و همبستگی این تشکل در حمایت از کارگران پارس جنوبی در عسلویه و تجمع ۵ هزار نفره آنها، بر احساس مسئولیت و وظیفه طبقاتی سراسری کارگران در حمایت قاطع از اهداف مبارزاتی با ریشه های مشترک در زندگی واقعی کارگری تاکید گذاشته است. این حمایت و این فراخوان حاکی از درجه بالای خودآگاهی طبقه کارگر و فعالین و رهبران آن در پاسخ دادن به نیاز همبستگی سراسری با تاکید بر منافع و اهداف مشترک این طبقه علیه بورژوازی حاکم است.

رفقای کارگر!

مارش ۱۸ آذر شما در عسلویه و ۱۹ آذر در مقابل مجلس، پرونده امید بستن به وعده های ریکارانه دولت و مقامات آن، پرونده سر دواندن و انتظار الطاف بالایی ها را میبندد. امروز به یمن تجربیات ایندوره دست شما از تجربه اتحاد و همبستگی و همدلی طبقاتی پرتر از هر وقت دیگر است. در ادامه این راه باید هر نوع تردید و دو دلی را کنار گذاشته و حول نمایندگان منتخب خود، دور رهبران رادیکال و مستقل برای تحمیل مطالبات فوری خود و در راه آزادی و برابری حلقه زد و پیشروی های بیشتر را تضمین کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) به همه فعالین و رهبران کارگری در مراکز نفت و گاز، به همه دست اندرکاران و سازماندهندگان این دو تجمع مهم درود میفرستد و بر ضرورت تحکیم اتحاد صفوف کارگران، بر گسترش حمایت از مبارزات این طبقه در همه مراکز کارگری تاکید میکند.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۹ آذر ۱۴۰۴- دسامبر ۲۰۲۵

کارگران کمونیست

حزب حکمتیست (خط رسمی)،

سنگر اتحاد طبقاتی و تشکل حزبی

شما است.

به این حزب پیوندید!

نقطه عطفی در مبارزات کارگران صنعت نفت

مصاحبه با خالد حاج محمدی

حکمتیست: پس از ۱۸ هفته تجمعات اعتراضی در مرکز کار، کارگران پارس جنوبی، کارگران ارکان ثالث، تجمع اعتراضی خود را روز ۱۸ آذر در مقابل فرمانداری عسلویه برگزار کردند. به گزارش منابع خبری کارگران پارس جنوبی، علیرغم بستن راه ورود به این بخش از شهر و مسیرهای منتهی به فرمانداری توسط نیروهای رژیم، بیش از ۵ هزار نفر کارگر و خانواده های کارگری در این تجمع شرکت داشتند. همچنین در ۱۹ آذر ماه کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری تجمع بزرگی را در مقابل مجلس شکل دادند. گفته میشود این تجمعات یکی از بزرگترین تجمعات اعتراضی تاریخ صنعت نفت و گاز در ایران است.

حزب حکمتیست از فراخوان به تجمع حمایت و دعوت کرد و به علاوه طی اطلاعیه ای بر اهمیت و جایگاه مهم این تجمعات انگشت گذاشت. ارزیابی شما از اعتراضات ایندوره کارگران ارکان ثالث و بویژه دو تجمع اخیر و مطالبات ایندوره این بخش از طبقه کارگر چیست. شما جایگاه این اعتراضات را، بر متن تعرض گسترده ای که جمهوری اسلامی به طبقه کارگر سازمان داده است، چگونه ارزیابی میکنید؟

خالد حاج محمدی: تجمعات اخیر کارگران مراکز گاز و نفت در ۱۸ آذر در عسلویه و به دنبال آن تجمع روز ۱۹ آذر در مقابل مجلس، نقطه عطفی در اعتراضات چندین ساله کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری در مراکز نفت و گاز است. تجمع ۵ هزار کارگر در عسلویه علیرغم ممانعتها و بستن مسیرها و کارشکنی های حاکمیت، یکی از بزرگترین تجمعات کارگری در تاریخ چند دهه گذشته در مراکز نفتی است. این تجمع شکوهمند همراه با تجمع کارگران پیمانکاری و پروژه ای در مقابل مجلس که از سراسر کشور به تهران رفته بودند، بیان سطح بالایی از سازماندهی و به هم پیوستگی و کار همه جانبه و شکل دادن به اتحادی ستودنی است. این دو تجمع نشان دوره ای جدید از مبارزات متحد کارگران در مراکز نفتی و گاز است. دوره ای که کارگران بر پراکندگی در صفوف خود در این مراکز پایان داده و با قدرت بیشتر و متحدتری وارد جدال مستقیم با دولت و کارفرمایان شدند. دوره ای که دیگر وعده های مجلس و دولت و وزارت کار، در میان کارگران نه تنها گوش شنوایی ندارد که بعلاوه کارگران در ابعاد توده ای و همه جانبه به این نتیجه رسیده اند که باید با زور و قدرت متحد خود، مطالبات خود را تحمیل کرد.

اکنون چندین سال است ما شاهد اعتراضات وسیع در مراکز نفتی و در میان کارگران خصوصاً کارگران پیمانکاری و پروژه ای (ارکان ثالث) برای قطع دست پیمانکاران، بستن قراردادهای رسمی و مستقیم، افزایش حقوق و مزایا، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همسان سازی دستمزدها، امنیت شغلی و سایر مطالبات رفاهی و... هستیم. سال گذشته نیز در اواخر پاییز موجی از اعتراضات کارگری در این مراکز شکل گرفت و دولت و مجلس وعده دادند که به مطالبات کارگران رسیدگی خواهند کرد. اما این وعده ها هیچ وقت محقق نشد. اوایل بهار ۱۴۰۲ نیز ما شاهد وسیعترین تجمعات و اعتراضات کارگران در بیش از ۸۰ مرکز در مراکز نفتی، گاز و پتروشیمی ها با خواست افزایش فوری دستمزدها و لغو پیمانکاری و... بودیم. در شهریور ۱۴۰۰ نیز بعد از یک دوره اعتصابات و اعتراضات کارگران در دهها مرکز نفتی و گاز و پتروشیمی ها و... نهایتاً رهبران و فعالین کارگری موفق شدند جمعیت نسبتاً بزرگی را در "هفشجان" گرد هم آورند و به عنوان مجمع عمومی کارگری بر سر مبارزات خود تصمیم بگیرند. آن تجمع در پی تلاش وسیع و همه جانبه فعالین و رهبران هوشیار کارگری انجام شد و یکی از مهمترین اتفاقات در سیر مبارزات کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی تا آنوقت بود.

باید توجه داشت که طی چند دهه اخیر در عسلویه و پارس جنوبی و کل مراکز نفت و گاز، به عنوان مراکز حساس اقتصادی، مناطق ویژه اقتصادی، نه تنها تشکیل هر نوع تشکل حتی از نوع دولتی در آن ممنوع بوده که بعلاوه فضای پادگانی بر آنها حاکم بود. صفوف کارگران در این مراکز از دوره رفسنجانی و با باز کردن پای پیمانکاران با انواع قراردادهای مختلف، عملاً شقه شقه شد و انواع تقسیمات در میان آنها انجام گرفت که جمع کردن آنها زیر یک سقف، علیرغم درد مشترک و مطالبات و شرایط کاری مشترک مشقت بار و بسیار سخت شد. این اوضاع شرایطی را فراهم آورد که تعرض به این بخش از طبقه کارگر را از طرف دولت و کارفرمایان تسهیل کرد و اتحاد کارگری را با مشکلات متعددی روبرو کرد. مبارزات و اعتراضات کارگری در این مراکز اما علیرغم هر افت و خیزی ادامه داشته است. این شرایط کاری و پراکندگی به اضافه فضای پادگانی دست جریانات و نهادها و عناصر حکومتی و کسانی که حتی در بیرون این مراکز میکوشیدند در میان کارگران "رای" جمع کنند و

به عنوان "وکیل" آنها مبارزات کارگری در این مراکز را به کجراه ببرند را باز گذاشته بود. مبارزات این دوره کارگران و خصوصاً این دو تجمع بزرگ، پایان انشقاق و پراکندگی و پایان کنخدایان خودگمارده به عنوان وکیل کارگران، پایان امید به مجلس و دولت و بیت رهبری توسط عوامل حکومتی به اسم نمایندگان و سخنگویان کارگران مراکز نفتی است. تفوق کارگران و نمایش قدرتمند آنها در این دو اعتراض به این اعتبار دوره ای جدید از رویاروی متحد تر، هوشیارانه تر و مستقیم تر کارگران مراکز نفتی با دولت و کارفرمایان است و یک پیشروی نوید بخش در جنبش کارگری ایران است. به باور من اگر به سیر مبارزات کارگری در این مراکز حداقل در یک دهه گذشته نگاه کنید، مبارزات اخیر انتهای یک پروسه و بیانگر تغییر توازن قوایی میان کارگران و کارفرمایان و جلو آمدن کارگران و رهبران هوشیار در این مراکز است. این تحولی است که در بعد وسیع میتوان دید و به همین دلیل میتوان آنرا نقطه عطفی در مبارزات در این مراکز نام گذاشت.

سخنرانی نمایندگان کارگران در مقابل مجلس، شعارهای آنها در هر دو تجمع، در کنار ظاهر شدن چند نماینده مجلس و تملق گویی و تمنا و خواهش از کارگران، تاکید آنان بر حق کارگران و اعلام اینکه مطالبات شما از جمله لغو پیمانکاری ها و قرار داد مستقیم و همسان سازی و... مورد تأیید مجلس است، مستقل از ریاکاری و حقه بازی و رندی آنان، بیان توازنی جدید میان کارگران و دولت است. نماینده مجلس و حامیان و خادمین کارفرمایان مجبور شده اند در مقابل تجمع کارگری سر تعظیم فرود آورند و این قدرت اعتراض کارگری است نه تغییر ماهیت دشمنان ما در مجلس. اگر جایگاه این اعتراضات را میخواید بدانید به زبان دشمنان قسم خورده طبقه کارگر در مجلس و دولت و... نگاه کنید.

حکمتیست: به نظر شما وظیفه رهبران عملی، رادیکال و سوسیالیست در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی ها چیست؟ از نظر شما ارتقا این مبارزات و رفع محدودیتهای کنونی آن، چگونه ممکن است؟

خالد حاج محمدی: ابتدا باید تاکید کنم پیشروی های تا کنونی نتیجه تلاش همه جانبه این رفقا است و باید به آنها دست مرزاد گفت. اعتراضات اخیر و پیشروی های آن، در صنعت نفت و گاز... جریانات حکومتی و عناصر و فعالین و تشکل های دولتی را هم عقب راند. آنها سالیان درازی تلاش کردند کارگران این مراکز به بیت رهبری، به مجلس و دولت و این و آن مهره و رئیس و روسای حکومتی امید ببینند، تلاش کردند کارگران را منتظر اجرای وعده های سرخرمن آنان کنند. صاحبان و حامیان این سیاست و عموماً این جهت در نفت شکست خورد، به درجه زیادی عقب نشست. بطوریکه امروز شاهدیم که میکوشند با پرچم کارگر پسند تری و با پرچم "رادیکالتری" ظاهر شوند. دلیل "رادیکال" شدن انجمنهای صنفی این مراکز و لحن تند نمایندگان آن رو به حکومت ناشی از این واقعیت و تغییر توازنی در میان فعالین و کارگران در مراکز نفتی است. در این مراکز جدالی طولانی میان گرایشان مختلف کارگری در جریان بوده و امروز شرایط برای پیشروی گرایش رادیکال، برای پیشروی رهبران و فعالین رادیکال کارگری در این مراکز مهیا تر شده است. این پدیده وظایف مهمی را در مقابل رهبران عملی و سوسیالیست در مراکز نفتی قرار میدهد.

اولین مسئله تثبیت موقعیت کنونی و تلاش برای پیروزی این مبارزات و کسب امتیازات هرچه بیشتری از دولت و کارفرمایان و عقب زدن تعرض و بی حقوقی به کارگران است. تردیدی نیست، و همچنانکه خود کارگران تاکید میکنند، باید تلاش کرد این مبارزات به ثمر برسد و به هر میزانی که قدرت و توان کارگران میرسد، حاکمیت و کارفرمایان را وادار به عقب نشینی کرد تا سر کیسه را باز و تغییری در زندگی کارگران ایجاد کنند. تضمین این مهم ادامه تلاش این رفقا هم برای متحد ماندن کارگران و هم گسترش شبکه های رهبران و فعالین این مراکز و هدایت موثر مبارزات موجود است.

ادامه تلاش مستمر برای افزایش اتحاد کارگران این مراکز، حاشیه ای کردن جریانات فرصت طلب و کوتاه کرده دست عوامل دولت و کارفرما و تلاش برای دخالت مستقیم کارگران در سرنوشت این مبارزات به هر شکل ممکن، بر دوش این رفقا است. در همین مدت در عسلویه شاهد انواع تحریکات ضدکارگری توسط دستجات چاقوکش حکومتی به نام "حق مردم بومی" و خط و نشان کشیدن برای اعتراضات کارگری و تلاش برای تحریکات عقب مانده و انشقاق و تردید در میان کارگران بودیم. همان کاری که اسد بیگی و عوامل او و دولت در اعتصابات هفت تپه دنبال میکردند اکنون در پارس جنوبی توسط عده ای شارلاتان و اجیر شده تکرار میشود. تنها راه مقابله با این عوامل و عناصر ارتجاعی حفظ یکپارچگی کارگران، جواب به ابهامات و ناروشتی و حاشیه ای کردن عوامل کارفرما و حکومتی است.

پدیده دیگر، مستقل از مبارزات کارگران این مراکز، شرایط ویژه جامعه ایران و موقعیت طبقه کارگر و تعرضات وسیعی است که علیه این طبقه سازمان یافته است. افزایش هر روزه قیمت مایحتاج عمومی، فقر عریان و افزایش قیمت دلار و سطح پایین دستمزدها، بخش اعظم طبقه کارگر را به فقر مطلق سوق داده است. جمهوری اسلامی به نام تحریمها و فضای جنگی در منطقه و به نام تهدیدات آمریکا و اسرائیل، میکوشد بار اصلی تحریمها را روی دوش طبقه کارگر

"یوروویژن" و "فیفا"؟ ثریا شهابی

اگر میان کلوب قدرت های جهانی، حکومت طالبان و "ستاد امر به معروف و نهی از منکر"، متعلق به کمپ جهان "غیرمتمدن" و "غیرآزاد" و قوراه تن مردم "بخت برگشته" زاده شده در شرق است، اما فیفا و یوروویژه متعلق به "جهان آزاد" و "دمکراسی" و "حقوق بشر"ی غرب است! اگر بوی تعفن و عرق و ریش و پشم و تسبیح و اراجیف مذهبی کمپ ارتجاع اسلامی حال همه را بهم میزند، اما بوی عطر و ادکلن و ریخت و قیافه های فاشنیست های یهودی در اسرائیل و دست راستی های جنگ طلب در آمریکا، "شیک" و "کراواتی"، جهانی را مدھوش "زیبایی" خود کرده است.

مردم در ایران و افغانستان، دهه ها است که رو در روی چنین "قهرمانان ملی" که زندگی روزمره را به آنها زهر کرده اند، ایستاده اند و سرنوشت شان را به تحرکات این نهادهای بین المللی نسپرده اند. محصولات "صدور دمکراسی" شان را در عراق و افغانستان و لیبی و امروز در حمام خون غزه، دیده اند!

آنچه که در مورد این دو رویداد وقیحانه، مهم است تنها و تنها جایگاه آن در خود غرب و در ساختار سیاسی و فرهنگی و جدال های داخلی آن است.

نه "یوروویژن" مسابقه آواز خوانی "غیرسیاسی"، بی طرفانه، آزاد و "شیک" است و نه مسابقات جهانی فوتبال و فیفا! اگر این واقعیت را دهه های قبل به سختی میتوانست از لابلای لنز های قوی مشاهده کرد، چندین سال است و بخصوص امسال رسماً این ها "رخشنوایی بین المللی" شده اند، که پشت ورزش و هنر مشغول شستشوی سیاسی یکی از جنایتکارترین و جنگ طلب ترین شخصیت های تاریخ آمریکا و یکی از فاشنیست ترین حکومت های معاصر در اسرائیل اند.

برخی گزارشگران و منتقدان در حیرت از "عملیات" اختراع و اهدا جایز صلح فیفا به ترامپ، این نهاد را "رخشنوایی ورزش" نام گذاری کرده اند که تلاش میکند به نام ورزش سیاست معینی را شستشو و به خورد همگان دهد!

اما اگر حیرتی مطرح باشد، حیرت از سرعت کار این رختشوخانه های فرهنگی و هنری و ورزشی است. سرعت کار این نهادها، در چهارچوب رویدادهایی که در غرب در جریان است، کاملاً "منطقی" است! قلعه سیاسی، ارزشی، فرهنگی و اجتماعی و ساختارهای رسمی و "پایدار" غرب، از دمکراسی پارلمانی تا آزادی ها و برابری هایی که جنبش های طبقاتی قرن ها به ساختارهای سیاسی در غرب تحمیل کرده بودند، مدت ها است که در حال فروپاشی است.

بی اعتباری و بی حاصلی دمکراسی برای شهروندان در غرب مدت ها است که ثابت شده است و این واقعیت که در غرب اقتصاد و نظامی گری، پول و اسلحه های نسل کشی های از راه دور و .. میلیتاریسم و ، حرف اول و آخر را میزند، تجربه زنده مردم آن است! مابقی امروز دیگر تعارف است. اگر دیروز در مقابل قطب دیگری که داعیه سوسیالیسم و عدالت اجتماعی و برابری داشت، ناچار بودند این چوب زیر بغل ها را نگاهدارند، امروز نیازی نیست! همه آزادند، از همه قوانین و مقررات بین المللی علیه تبعیض و زور و میلیتاریسم و .. تا هر کاری میتوانند برای حفظ برتری خود یا زدن جلو از رقبای بکنند!

حرف مستقیم شان را باید از "پیت هگست" در کابینه ترامپ شنید. کسی که از امسال با فرمان اجرایی ترامپ (برنده جایزه صلح فیفا) اجازه گرفت که خودش را نه "وزیر دفاع" که "وزیر جنگ" و وزارتخانه اش را نه "وزارت دفاع" که "وزارت جنگ" بنامد! "ستاره" مشهور "فاکس نیوز" که افتخار ریاست دو سازمان عقب گرا و جنگ طلب "کهنه سربازان برای آزادی" و "کهنه سربازان دلواپس آمریکا" را در کارنامه خود دارد و مهمتر از همه در دوران خدمت سربازی اش، فرماندهی یک دسته از نیروهای نظامی در بازداشتگاه گوانتانامو را بر عهده داشته و از نحوه رفتار با زندانیان در این بازداشتگاه دفاع کرده است! واقعیات "جهان آزاد" و "دمکراسی" غربی را باید از هگست، کسی که در حمایت ترامپ، نه به کشتی جنگی و ناوگان و .. که به یک قایق ونزولایی بر روی دریای کارائیب، از نظر آمریکا مظنون به قاچاق مواد مخدر، دو حمله نظامی کشنده میکند و همه را به قتل می رساند.

هگست که ضمن نعره های جنگ طلبانه علیه ونزولا، تعارفات گاه و بیگاه ترامپ را کاملاً کنار میگذارد، در سخنرانی عمومی اخیرش برای رهبران نظامی ایالات متحده، سربازان نوع خودش، میگوید:

برای صلح باید جنگید! ما ارتش مقاوت نیستیم! ارتش جنگ هستیم! مقاومت نمی کنیم! می زنیم و می جنگیم! نزاکت سیاسی و برابری و عدالت اجتماعی و .. "زباله های ایدئولوژیک سمی" هستند که حواس ما را پرت کرده و به

نظامی گری ما آسیب زده است.

اما این تنها جدال و تحرک سیاسی در آمریکا نیست! از قطبی شدن جامعه در مورد جایزه صلح فیفا به ترامپ، میلیتاریسم افسارگسیخته و حمله به همه آزادی های سیاسی کسب شده جنبش های سیاسی، تا حمایت و شراکت مستقیم هیئت حاکمه آمریکا در کیش نسل کشی از مردم فلسطین، آمریکا را عملاً به دو بخش و دو قطب در مقابل هم تبدیل کرده است. سرنوشت این جدال، در خود آمریکا و در غرب، در موقعیت جنبش مقاومت در مقابل فاشنیسم و راست افراطی روشن میشود! ترامپ و هگست، تاریخ را نمی سازند. قاره آمریکا، از ایالات متحده تا دهها و دهها کشور آمریکای لاتین تاریخی از شورش های آزادیخواهانه، انقلابات و جنگ ها و جدال های چپ و راست و بحران های سیاسی داشته اند! آینده این جدالها است که آینده آمریکا و غرب را رقم خواهد زد.

یک سر دیگر این جدال در اروپا و قطب بندی ها در اروپا است!

"رخشنوی خانه ورزشی" فیفا قادر نیست ترامپ و تیم جنگ طلب و افسارگسیخته دست راستی او را غسل تعمید و شستشو دهد! همانگونه که "یوروویژن" قادر نیست دستهای خونین فاشنیسم یهودی و هیئت حاکمه جنایتکار اسرائیل را بشوید!

یوروویژن امسال نه تنها از همه سال ها سیاسی تر، جانبدارتر و با استاندارد دوگانه بود، که بیش از هر زمانی تعرض و حمله به جنبشی است که در غرب در دفاع از مردم غزه و علیه نسل کشی در جریان است. شرکت دادن اسرائیل امسال، تعرض به جنبشی است که فاشنیسم اسرائیل را زیر فشار گذاشته و جوامع غربی را حول آن قطبی کرده است.

تا جایی که دولت های اروپایی برای نزدیک نگاه داشتن خود به "عزیز دردانه" فاشنیست شان در اسرائیل، با مشکلات جدی روبرواند. تا اینجا دولت های متعددی تحت فشار اعتراضات در خود جوامع غربی در اعتراض به تصمیم به شرکت دادن اسرائیل، این مراسم را بایکوت کرده اند و جنبشی اعتراضی علیه تصمیم "یوروویژن" در جریان است. مدافعان اسرائیل اعلام کرده اند که نگران این نمایشات و جدلها حول آن هستند.

مسابقات جام جهانی فوتبال برگزار بشود یا نه، "یوروویژن" برگزار بشود یا نه، این دو نهاد امسال رسماً به سرنوشت پارلمانها و نهادهای بین المللی بی محتوا و بی اعتبار شده، فی الحال پیوسته اند.

این دو نهاد هم امروز، همچون همه سوخت و ساز های فرهنگی سیاسی اجتماعی و اقتصادی، جهانی را به هم متصل نگاه داشته است! اتصال در اعتراض و مقاومت و جدال!

جوامع غربی، که در آنها شهروندان به داشتن حقوق ها و آزادی هایی تاریخی "عادت" کرده بودند! داشتن آنها را مفروض میدانستند، وارد جدال های جدی تری می شوند! خلا دمکراسی پارلمانی و نهادهای بی ارزش شده فرهنگی و هنری و .. و در یک کلام فروپاشی عمارت عظیم و تاریخی بورژوازی غرب، برای همیشه خالی نمی ماند. تحریکات و جنبش های سیاسی و طبقاتی دیگری، چپ و سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی، سربرخواهند آورد. جنبشهایی که شانس و امکان قابل توجهی برای عروج دارند. تشعشاتی از آن را میتوان امروز در کمپ اعتراض به نسل کشی از مردم فلسطین و علیه دولت اسرائیل، نه فقط در اعتراضات و اعتصابات که در جنبش های فرهنگی و هنری و ورزشی و اجتماعی و محل های کار و زندگی مردم میتوان مشاهده کرد. کمپی که در مقابل ویرانه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بورژوازی در غرب، در تقابل با جنبش دست راستی ساختارشکنانه، در حال شکل دادن به نهادها و ارزشهای خود است. این صف باید خود را به حزب و سازمان مناسب خود، احزاب و سازمانهای سوسیالیستی، چپ و ماگزیالیست، مجهز کند. تنها یک تحرک انترناسیونالیستی با پرچم سوسیالیسم و کمونیسم کارگری میتواند هرچه کم درد ورق را برگرداند. غرب مهیا ترین شرایط را برای عروج آن دارد.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵

۲۰ آذر ۱۴۰۴



سایت رادیو: radioneena.com

کانال یوتیوب: youtube.com/@radioneena60

تلگرام: t.me/RadioNeenna

اینستاگرام: instagram.com/radioneena

فیسبوک: facebook.com/radioneena

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر گردستان حزب: محمد راستی

mohammed.raasti1954@gmail.com

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

amotlagh28@gmail.com

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

صفحات حزب در میدیای اجتماعی

تلگرام: Hekmatistx@

اینستاگرام: instagram.com/hekmatist_official_line

فیسبوک: facebook.com/Hekmatist.ol

سر دبیر حکمتیست هفتگی آذر مدرسی

مصاحبه با خالد حاج محمدی

نقطه مفنی در مبارزات کارگران

سرشکن کند، میکوشد هزینه های نظامی و انواع نهاد ضد کارگری خود را از جیب خالی طبقه کارگر بپردازد. میکوشد زیر پرچم "دفاع از وطن" و فضای جنگی و تحریم، استیصال را به طبقه کارگر، به عنوان دشمن اصلی خود، تحمیل کند. این پدیده کل طبقه کارگر و اقشار محروم را با معضلات جدی اقتصادی روبرو کرده که بیشترین لطامات آن به زندگی طبقه ما به مبارزه مشترک و اتحاد طبقه ما میزند و سد بستن در مقابل آن بر دوش کارگران رادیکال و سوسیالیست است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی بر روی بمب نشسته است، در شرایطی که در سراسر ایران روزانه شاهد صدها تجمع و اعتراض کارگری هستیم، در شرایطی که اکثریت عظیمی از مردم ایران، از بازنشسته و پرستار تا معلم و... روزانه اعتراض میکنند، باید کوشید همه جانبه به مراکز و بخشهای دیگر کارگری پیوست و متحد شد. باید کانونهای اعتراضی در جنبش کارگری از کانال رهبران و فعالینش از جمله در مراکز نفتی به هم متصل و متحد و عملا در کنار هم قرار گیرند. تامین این امر، گسترش شبکه ها و جمع و کمیته های کارگران کمونیست به همه مراکز صنعتی و خدماتی و به فعالین رادیکال در میان اقشار محروم جامعه نیاز جدی جنبش کارگری، حتی برای موفقیت در يك مرکز معین مانند پارس جنوبی، است. زمینه عینی برای این کار مهیا است، نگاهها به کارگران در مراکز نفتی و امید به این مراکز بدلیل جایگاه قدرتمند آنها در اقتصاد مملکت دوخته شده است و سمپاتی بالایی نسبت به مبارزات در این مراکز ایجاد شده است. اینها زمینه ها و شرایط و بستر بهتری برای ایفای نقش این رفا ایجاد کرده است که باید هوشیارانه به استقبال آن رفت.

۱۱ دسامبر ۲۰۲۵

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملا مقدور است.

برنامه یک دنیای بهتر